

## بررسی مصادیق جرایم خارج از اعمال قاعده مرور زمان در حقوق کیفری ایران

علی رضا تحریری<sup>۱</sup>، احمد رضا تحریری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

### چکیده

نگرش قانون گذار از قدیم نسبت به نهاد مرور زمان کیفری تقریباً یکسان بوده است لیکن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواردی تغییراتی جزئی در آن اعمال نموده که از جمله آن می توان به اعمال آن بر اساس درجه بندی مجازات ها اشاره نمود. دیگری آنکه شروع مدت مرور زمان در خصوص جرائم تعقیب شده را بر خلاف قانون قدیم از تاریخ آخرین اقدامات تعقیبی اعمال نموده که این امر عملاً بر خلاف مصلحت متهمین می باشد چرا که حتی یک استعلام ساده در دادسرای می تواند به عنوان اقدام تعقیبی لحاظ گردیده و قاطع مرور زمان باشد. مطابق ماده ۱۰۵ و ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی سه نوع مرور زمان در قانون بیان شده است و بعد از گذشت مدت زمانی مشخص دیگر نمیتوان به جرائم این متهمان رسیدگی کرد. برخی از جرائم به هیچ عنوان مشمول مرور زمان از تاریخ وقوع جرم نمی شوند مانند جرم مستمر، همچنین برخی از جرائم هستند که به هیچ عنوان مشمول مرور زمانهای ۳ گانه از تاریخ وقوع جرم، تعقیب و اجرای مجازت نمیشوند که ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی این جرائم را مشخص نموده است، در کل می توان گفت قانون بنا به مصالحی مانند، اهمیت جرم، و یا وقوع خسارات گسترده به جامعه و حاکمیت برخی جرایم را مشمول قاعده مرور زمان کیفری ندانسته است همچنین در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری، جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر، تعزیرات منصوص شرعی جرایم از قاعده مرور زمان خارج شده اند.

**واژه‌های کلیدی:** مرور زمان، اجرای حکم، جرایم اقتصادی، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، مواد مخدر

## مقدمه

هدف ما از انجام این مقاله بررسی جرایم خارج از اعمال قاعده مرور زمان در حقوق کیفری ایران می باشد با توجه به انجام تحقیقات گسترده در قبال قاعده مرور زمان، اما در زمینه استثنائات وارده بر این قاعده حقوق کیفری، کمتر پرداخته شده است، مرور زمان در دعاوی حقوقی و کیفری مدتی است که به موجب قانون، در صورتیکه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری در مدتی معین به تعویق افتاد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی اجرا نمی شود و در این حالت گفته می شود که جرم مشمول مرور زمان شده است. مرور زمان در مواد ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده که به چهار نوع مرور زمان شکایت، تعقیب، صدور حکم قطعی و اجرای حکم قطعی می باشد، قانونگذار در خصوص مرور زمان قائل به یک سری از استثنائات شده است که عبارتند از: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری، رشوه، جرائم گمرکی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و جرائمی که در ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. جرائمی که در قانون مواد مخدر ذکر شده است. قانون بنا به مصالحی برخی جرایم را مشمول مرور زمان اعم از تعقیب، صدور حکم، و اجرای حکم قطعی ندانسته است، چرا که اهمیت این نوع جرایم و خساراتی که به جامعه از طریق این جرایم وارد و لطماتی که به اساس حکومت ایراد می شود، موجب گردیده که در بسیاری از موارد مانند تعلیق اجرای مجازات، و یا تعویق مجازات و یا سایر نهادهایی که به سود متهم یا مجرم است، قانونگذار آنان را لایق چنین تخفیفاتی قرار ندادند قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در خصوص مرور زمان قائل به یکسری از استثنائات شده است، مطابق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی برخی جرائم مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شوند که عبارتند از: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

استثناء کرده به عنوان مثال در بند ب « جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون (ق.م.ا) با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده» مطرح شده است.

این بند (بند ب) دو قسمت دارد:

## ۱- جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری

## ۲- جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون (ق.م.ا) با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

این بدین معنی نیست که جرم اقتصادی شامل کلاهبرداری (ذکر عبارت شامل کلاهبرداری از این جهت است که جرایم اقتصادی دیگر از قبیل ارتشاء، اختلاس و... را که در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است استثناء کند و نشان دهد کلاهبرداری مانند سایر جرایم اقتصادی ذکر شده در تبصره ماده ۳۶ مشمول رعایت مبلغ مقرر در تبصره ماده ۳۶ نیست) باید با رعایت مبلغ مندرج در تبصره ماده ۳۶ این قانون باشد. این بند به صراحت خواسته تا کلاهبرداری را از شمول قید یک میلیارد ریال استثناء کند.

بنابر این در جرم کلاهبرداری، مبلغ کلاهبرداری جهت عدم شمول مرور زمان اهمیت ندارد و جرم کلاهبرداری به هر مبلغ طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشمول «مرور زمان» تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شود. پس در می یابیم که از نظر قانونگذار طبق بند ب ماده ۱۰۹: جرم کلاهبرداری به هر مبلغی به هیچ وجه مشمول مرور زمان نمی شود.

حسب ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی، موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعاوی خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.

نکته و ایرادی که وجود دارد این است که تمامی موارد یاد شده مربوط به دولت و حکومت بوده و به اشخاص (مردم) ارتباطی ندارد و به نوعی از افراد جامعه دفاعی به عمل نیامده است. همچنین تکلیف آراء غیابی مشخص نشده که شامل مرور زمان می شود یا خیر؟.

با توجه به اهمیت موضوع و تحقق و دادرسی عادلانه هدف از انتخاب این موضوع بررسی جرایم خارج از اعمال قاعده مرور زمان در حقوق کیفری ایران می باشد.

## مبحث اول - واژه شناسی

در این مبحث برای آشنایی بهتر با موضوع به بررسی مفاهیم و تعاریف مرتبط با موضوع می پردازیم.

### گفتار اول: تعریف مرور زمان

در فرهنگ دهخدا<sup>۱</sup> مرور زمان به معنای گذشتن (ایام) می باشد در اصطلاح حقوق جزا، گذشتن مدتی است از تاریخ ارتکاب جرم یا تاریخ صدور حکم مجازات، بدون اینکه مجرم، تحت تعقیب قرار گرفته باشد یا حکم مجازات در مورد او جاری شده باشد که در این صورت مجرم تعقیب نشده قابل تعقیب نخواهد بود و مجرمی که مجازات در مورد او اجرا نشده باشد قابل مجازات نخواهد بود.

مرور زمان در لغت به معنای سپری شدن و گذشتن زمان است.<sup>۲</sup>

در ترمینولوژی حقوق، مرور زمان (prescription) چنین تعریف شده است:

«گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمی شود»<sup>۳</sup> لکن باید توجه داشت که این تعریف مربوط به مرور زمان دعاوی حقوق (مدنی) است. مرور زمان<sup>۴</sup> کیفری عبارت است از: «گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعاوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات، امکان پذیر نیست.»<sup>۵</sup> در تعریف دیگری آمده که: «مرور زمان کیفری، عبارت است از: گذشتن مدتی که به موجب قانون، پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم یا اجرای حکم کیفری موقوف می شود به عبارت آخری، هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری، مدت معینی به تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی به موقع اجرا گذاشته نمی شود. در این صورت جرم، مشمول مرور زمان شده است»<sup>۶</sup> بنابراین تحقق مرور زمان در امور کیفری مانع از استماع شکایت یا تعقیب جرم و یا اجرای مجازات در احکام قطعی کیفری است.

### گفتار دوم: فلسفه مرور زمان کیفری

مرور زمان کیفری از نظر اندیشمندان حقوقی و علوم اجتماعی موافقان و مخالفانی دارد که هر گروه استتالی در این خصوص ارائه نموده اند.

<sup>۱</sup> دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، انتشارات جمال هنر ۱۳۹۵ ص ۲۰۵

<sup>۲</sup> شیری، عباس، سقوط مجازات ها در حقوق کیفری اسلام و ایران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۸۲ ص ۲۳۷

<sup>۳</sup> جعفری، لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳ ص ۱۷۳

<sup>۴</sup> La prescription

<sup>۵</sup> آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری جلد اول، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۹۳ ص ۱۶۲

<sup>۶</sup> همان، ص ۱۶۸

### بند اول: استدلال موافقان

با گذشت زمان، اضطراب ناشی از ارتکاب جرم که دامنگیر جامعه شده است تسکین می یابد جامعه جرم را به تدریج به دست فراموشی می سپارد و به این علت تعقیب متهم و مجازات او سبب می شود که خاطره ارتکاب جرم دوباره درازدهان عمومی زنده شده آلام ناشی از اختلال در نظم عمومی که بر اثر گذشت زمان التیام پذیرفته بار دیگر احیاء و احساس عدم امنیت در شهروندان زنده می شود.

ترس از مجازات در مدت زمان نسبتاً طولانی، تا حدی موجب تهذیب نفس اخلاف و رفتار متهم می گردد او را به فکر و اندیشه وامی دارد و موجب تنبیه می شود مجازات چنین فرد متنبه و اصلاح شده ای فاقد نتیجه مطلوب است و هیچ یک از هدف های اعمال مجازات را تامین نمی کند و بلااثر می باشد و باید از آن صرفنظر نمود.<sup>۷</sup>

با گذشت سالها از وقوع جرم، تحصیل دلیل علیه متهم به علت فوت، مهاجرت یا مسافرت شهود یا از بین رفتن آثار و علائم جرم با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد شهود باقیمانده نیز به طور طبیعی و با گذشت زمان حضور ذهن خود را نسبت به مسموعات و مشهودات تا حدی از دست میدهند و با لحاظ این مسائل چنین رسیدگی های نفعی برای جامعه نخواهد داشت.<sup>۸</sup>

هرگاه تاریخ مجازات نسبت به تاریخ وقوع جرم بعید باشد چنین مجازاتی عادلانه نخواهد بود زیرا در این فاصله مجرم برای فرار از مجازات دائما در اضطراب به سر می برده و با پریشانی روزگار می گذرانیده است و همین اضطراب و پریشانی، نوعی کفاره به شمار می رود و چنانچه بعداً مجازاتی در مورد وی اجرا شود در واقع مثل این است که دو دفعه به مجازات رسیده است و این خلاف اصول عدالت است.<sup>۹</sup>

اگر دستگاه قضایی و اجرایی در اجرای مجازات ها مرتکب قصور شده است نباید آثار سوء این قصور متوجه محکوم علیه گردد و با نگاه داشتن او در حالت بلا تکلیفی از فعالیت های اجتماعی او که نفع آن به طور غیرمستقیم شامل حال جامعه هم خواهد شد جلوگیری بعمل آورد.<sup>۱۰</sup>

### بند دوم: استدلال مخالفان

سزار بکاریا، مخالف سرسخت مرور زمان کیفر بود<sup>۱۱</sup> و پوزیتیویست ها ضمن انتقاد به این نهاد خواهان اعمال آن فقط نسبت به مجرمان اتفاقی بودن<sup>۱۲</sup>.

۱- احتمال آن وجود دارد که مجرمی با سابقه به علت آشنائی با قانون و با نیرنگ و فریبی که بکار می برد بتواند مدتی طولانی، از چنگ دستگاه جزایی جامعه بگریزد و پذیرفتن مرور زمان باعث می شود که برای همیشه از تحمل مجازاتی که به طور قطعی برای او تعیین شده رهائی یابد.<sup>۱۳</sup>

<sup>۷</sup> آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷ ص ۱۷۵

<sup>۸</sup> آشوری، محمد، پیشین، ص ۱۶۳

<sup>۹</sup> باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، ۱۳۹۲ ص ۳۵۵

<sup>۱۰</sup> صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی ج ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲ ص ۳۱۴

<sup>۱۱</sup> بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی نشر میزان ۱۳۸۲

<sup>۱۲</sup> گاستون، استفانی، ژرژ، لوسور، برنار، بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷ ج ۲ ص ۸۷۴

<sup>۱۳</sup> صانعی، پرویز، پیشین، ص ۳۱۴

۲- انصراف از تعقیب و مجازات بزهکاران به منزله تشویق آنان به ادامه فعالیت‌های بزه کارانه و تشجیع آنان به غوطه ور شدن در مرحله بزه کاری است.<sup>۱۴</sup>

۳- وقتی جنایت‌های جانگدازی که خاطره آنها تا دیر زمان در اذهان مردمان باقی است به اثبات رسید سزاوار نیست با فرار بزهکار، کیفر مشمول مرور زمان شود ولی در جرائم کوچک و از یاد رفته باید با اعمال مرور زمان به سرنوشت نامعلومی که در انتظار متهم است پایان داد.<sup>۱۵</sup>

### مبحث دوم: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

حاکمیت ملی همواره مهمترین ارزش برای ملت‌ها بوده است و با توجه به تلاش حاکمان در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی که جرایم علیه امنیت می‌توانند برای حاکمیت و استقلال ایجاد نمایند. از گذشته مقررات سختی در مورد جرایم علیه امنیت وجود داشته است. به همین خاطر از زمره جرایمی هستند که مشمول مرور زمان نمی‌شوند. یکی از کارکردهای اصلی حقوق کیفری، ایجاد امنیت است. اما در پاره‌ای از جرایم، امنیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برخی جرایم مستقیماً به امنیت کشور و دولت لطمه می‌زنند و لذا دولت در چنین جرایمی بی‌طرف نیست. بنابراین ممکن است حقوق متهم و آزادی‌های افراد در خطر قرار گیرد و جرایم دولت علیه مردم رخ دهد که در اصطلاح جرم شناسی به جرایم دولتی معروف است. بنابراین، گاهی امنیت و عدالت در این جرایم در تقابل هم قرار می‌گیرند و منجر به شکل‌گیری جرم شناسی امنیتی می‌گردد که مجرم را موجودی خطرناک پنداشته و وی را مستحق طرد می‌داند و دادرسی عادلانه نقض می‌شود. یکی از مسائل قابل بحث در این حوزه، امکان یا عدم امکان اجرای آموزه‌های عدالت ترمیمی در جرایم علیه امنیت است.

### گفتار اول: اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور

#### بند اول: عنصر قانونی

(ماده ۶۱۰ ق.م.ا= هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آنرا فراهم نمایند. در صورتیکه عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.)

#### بند دوم: عنصر مادی جرم

این جرم از جمله جرایم خیانت علیه کشور است و اجتماع و تبانی یا فراهم آوردن وسایل برای ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور، عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد.

تبانی هنگامی محقق می‌شود که قصد اقدام بین افراد هماهنگ شده باشد و بر آن اتفاقی قطعی داشته و عزمشان را قولاً و عملاً بر انجام آن جرم نموده باشند، فلذا تبانی اصولاً هنگامی محقق می‌شود که بین دو نفر یا بیشتر باشد.

باید توجه داشت جرم دانستن اجتماع و تبانی بر خلاف اصل است؛ زیر حسب ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل آن است که مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته

<sup>۱۴</sup> آشوری، محمد، پیشین، ص ۱۶۴

<sup>۱۵</sup> بکاریا، سزار، پیشین ص ۷۱

باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نباشند، اما قانونگذار برای حفظ امنیت استثنائاً می‌تواند در مواردی مهم از این ماده عدول نماید. در این جهت مقنن کسانی را هم که وسایل ارتکاب جرائم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور را فراهم آورند؛ مجرم محسوب نموده است، این مقدار عمل اگر چه از حیث اصول کلی از مصادیق معاونت است اما قانونگذار به لحاظ اهمیت موضوع آنرا بعنوان جرمی مستقل قابل مجازات دانسته است.<sup>۱۶</sup>

#### **بند سوم: عنصر روانی جرم**

این جرم از جمله جرایم عمدی است؛ لذا مرتکبین باید با علم و اطلاع به نامشروع و غیر قانونی بودن عمل خویش مبادرت به اجتماع و تبانی و یا تهیه وسایل ارتکاب جرم نمایند، بنابراین در صورتی که شخصی بدون قصد مجرمانه در اجتماعی حاضر شود، مشمول ماده فوق نخواهد شد.

#### **گفتار دوم: تظاهر، قدرت نمایی و اقدام علیه آسایش عمومی بوسیله اسلحه**

##### **بند اول: عنصر قانونی جرم:**

(ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ = هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آنرا وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتیکه از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.)

##### **بند دوم: عنصر مادی جرم**

جرم فوق از جمله جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است و تظاهر، قدرت نمایی، مزاحمت اشخاص، اخاذی و یا تهدید و گلاویز شدن با اشخاص بوسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر عنصر مادی این جرم را تشکیل می‌دهد. صرف انجام اعمال فوق فرد را مستحق مجازات خواهد کرد، بنابراین جرم مزبور جرمی مطلق است و مقید به اخذ مال و یا تحقق تهدید و غیره نیست. گلاویز شدن در این ماده از نوع منازعه جمعی نبوده در صورت اخیر موضوع از مصادیق ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خواهد بود.

##### **بند سوم: عنصر روانی جرم**

جرم مزبور از جمله جرایم عمدی است، لذا علم و اطلاع از نامشروع و غیر قانونی بودن عمل و خواست فرد به انجام اقدامات مجرمانه فوق وی را مستحق مجازات خواهد نمود.

#### **گفتار سوم: تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد بهم زدن امنیت**

به موجب ماده ۱۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل ولو در بعضی از نواحی گردد یا باعث نهب و غارت شود، در حکم محارب بود. لیکن در ماده

<sup>۱۶</sup> - حسینی، سیدمحمد، مختصر حقوق جزای عمومی، ناشر: کتاب آوا، ۱۳۹۸ ص ۶۸

۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد. همانطور که ملاحظه می‌شود، تحریک و اغوا مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر ولو منجر به قتل و غارت بشود یا نشود، محاربه یا در حکم محاربه محسوب نمی‌شود.

#### **گفتار چهارم: حرق یا تخریب انبار مهمات و اسلحه یا کشتی یا هواپیما و امثال آنها**

بموجب ماده ۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، هر کس عمداً و با قصد سوء و خیانت، انبار مهمات و اسلحه یا کشتی یا هواپیما و امثال آنها یا مواضع و مراکز مهم نظامی و دولتی یا مراکز اسناد یا دفاتر دولتی را بسوزاند یا خراب نماید، در صورتیکه به قصد براندازی حکومت و فساد باشد، در حکم محارب بود لیکن در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ این جرم حذف شده است.

#### **گفتار پنجم: سوء قصد به جان رهبر یا رئیس جمهوری و مراجع بزرگ تقلید**

بموجب ماده ۱۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، هر کس با نیت فساد و مقابله با حکومت به جان رهبر یا رئیس جمهور سوء قصد نماید و پس از شروع به عللی که خارج از اراده مرتکب است، بلا اثر بماند، در حکم محارب بود. لیکن ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ سوء قصد به جان رهبر و هریک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید را چنانچه محاربه نباشد مشمول مجازات حبس از ۳ تا ۱۰ سال پیش بینی نموده است.

#### **گفتار ششم: دائر نمودن مراکز فساد و فحشاء**

بموجب تبصره ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، کسی که مراکز فساد یا فحشاء دائر نموده یا اداره کند که مردم را به فساد و یا فحشاء بکشاند و یا کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آنرا فراهم نماید. در صورتیکه عمل فوق سببیت از برای فساد عفت عامه باشد و با علم به سببیت آنرا مرتکب شود، مجازات مفسد فی الارض را داشت. لیکن مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ دائر کردن مرکز فساد و یا فحشاء و مصادیق دیگری از جرائم مشابه آنرا از مصادیق افساد فی الارض محسوب نکرده بلکه آنها را از جرائم تعزیری محسوب و حسب مورد مجازات حبس ۱ تا ۱۰ سال و یا ۱ تا ۳ سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق (یک یا دو مجازات مذکور) پیش بینی نموده است.

#### **گفتار هفتم: حرق، تخریب و اتلاف اموال به قصد مقابله با حکومت**

بموجب تبصره ماده ۱۲۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کارگاه و کارخانه یا انبار و بطور کلی هر محل مسکونی یا غیرمسکونی یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به غیر را آتش بزند، در صورتیکه به قصد مقابله با حکومت اسلامی و از مصادیق محاربه و افساد فی الارض باشد مجازات محارب را داشت. تبصره ۱ ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ نیز در صورتیکه اعمال مذکور در این فصل (فصل بیست و پنجم) به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت یعنی، عمل در حکم محاربه محسوب می‌شود.

بنظر می‌رسد مقصود قانونگذار از مقید نمودن عمل به اینکه از مصادیق محاربه و افساد فی الارض باشد، این است که عمل ارتكابی دارای جنبه خصومت شخصی نبوده، بلکه شرایط معتبره در محاربه و افساد فی الارض را داشته باشد، یعنی عمل به کمک سلاح مخرب یا آتش‌زا صورت گرفته و یا با هر وسیله‌ای به منظور ایجاد فساد و سلب آسایش و امنیت عمومی انجام شود.<sup>۱۷</sup>

### گفتار هشتم: اجتماع و تبانی برای ارتكاب جرائم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی یا اساس حکومت یا اعراض و نفوس یا اموال مردم

بموجب ماده ۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت خارجی یا داخلی مملکت یا بر ضد اساس حکومت جمهوری اسلامی یا بر ضد اعراض و نفوس یا اموال مردم مرتکب شوند، یا تبانی برای تهیه وسائل ارتكاب آن نمایند، چنانچه در حد صدق عنوان محاربه و افساد فی الارض باشد به مجازات آن محکوم می‌گردیدند. این حکم از مفهوم مخالف ماده مذکور استنباط می‌گردد که در صورت عدم صدق عنوان محاربه و افساد فی الارض، دارای مجازات تعزیری می‌باشد که در ماده فوق‌الذکر بیان شده است. لیکن ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد که اجتماع و تبانی دو نفر یا بیشتر جهت ارتكاب جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور یا تهیه وسائل ارتكاب آن در صورتیکه عنوان محارب بر آن صدق کند مجازات محارب و در غیر اینصورت دارای مجازات حبس ۲ تا ۵ سال می‌باشد. همچنین بموجب ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۷۵ اجتماع و تبانی دو نفر یا بیشتر جهت ارتكاب جرم علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم و تدارک مقدمات اجرائی آن از مصادیق محاربه محسوب نشده بلکه دارای مجازات تعزیری (حبس از ۶ ماه تا ۳ سال) می‌باشد.<sup>۱۸</sup>

### گفتار نهم: محاربه و جرایم در حکم محاربه در قانون مجازات اسلامی

پس از بررسی و تحلیل نحوه تعمیم احکام محاربه به جرایم مشابه توسط قانونگذار، نوبت به بحث و بررسی تک تک این جرایم و مقایسه آنها با جرم محاربه می‌رسد.

در این جهت ابتدا آنها را احصاء می‌نمائیم، سپس به تشریح عناصر تشکیل دهنده هر یک اعم از عنصر قانونی، مادی و روانی پرداخته و در انتها با جرم محاربه مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

حسب بررسیهای بعمل آمده در مجموعه قوانین جزایی موجود کشور حدود ۴۷ ماده به «جرم در حکم محاربه» اشاره کرده است این ۴۷ ماده را می‌توان تحت سه عنوان قانونی ذیل دسته بندی و مورد بررسی قرار داد:

۱- جرایم در حکم محاربه در قانون مجازات اسلامی به تعداد ۱۶ ماده شامل مواد: ۲۷۹، ۲۸۷، ۲۸۱، ۲۸۷، ۱۸۸، ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۵۳، ۶۵۴ و ۶۸۳ و تبصره ۱ ماده ۶۷۵.

۲- جرایم در حکم محاربه در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ مشتمل بر ۳۱ ماده شامل مواد:

<sup>۱۷</sup> - منصورآبادی، عباس، حقوق جزای عمومی، ناشر: میزان ۱۳۹۹ ص ۱۰۴

<sup>۱۸</sup> - گلدوست جویباری، رجب، جرائم علیه امنیت کشور، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰

۸، ۹، ۱۱، ۱۲ و تبصره آن، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳ و ۹۰.

۳- جرایم در حکم محاربه در قوانین متفرقه به تعداد ۴ عنوان شامل:

الف - جرایم تحت عنوان (ایجاد رعب و هراس در امر انتخابات) مذکور در بند (۱۶) ماده (۶۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹ و اصلاحات بعدی همچنین ۱۳۷۸/۹/۷ و بند (۱۶) و (۳۳) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ و بند (ب) و ماده (۳) قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ ب - جرم (سرقت کالا در حین حمل و نقل) مذکور در ماده (۳) قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳.

ج- جرم (احتکار و گرانفروشی به قصد مقابله با حکومت) مذکور در ماده (۶) قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳.

د - جرم (عبور دادن غیرمجاز اشخاص از مرز، محل امنیت کشور) مذکور در بند (الف) ماده (۱) قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور و اصلاح آن قبل از آنکه به توضیح و تشریح جرایم مزبور بپردازیم لازم است متذکر شویم حسب آنچه در فصل قبل بیان گردید برای مقایسه جرایم فوق با جرم محاربه لازم است مبنا و معیاری از جرم محاربه نیز داشته باشیم بر اساس آنچه در بحث محاربه مذکور گردید این معیار و مبنا می تواند تعریف جرم محاربه مستنبط از نظر مشهور فقها و صریح ماده (۲۷۹) قانون مجازات اسلامی همان (تجريد السلاح لا خافة الناس) باشد. علیهذا با مبنا قرار دادن این تعریف و نیز مبنا قرار دادن مبانی نحوه تعمیم احکام مذکور در فصل اول، جرایم در حکم محاربه را با جرم محاربه مورد مقایسه قرار داده وجوه افتراق و اشتراک فیما بین آنها را بررسی می‌نمائیم.

### گفتار دهم: بر هم زدن امنیت و ایجاد رعب و وحشت از طریق سرقت مسلحانه و قطع الطريق

#### بند اول: عنصر قانونی جرم:

(ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ = راهزنان سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند).

#### بند دوم: عنصر مادی جرم:

بزه موضوع این ماده برخلاف ظاهر آن ناظر به سرقت نیست؛ بلکه از جمله جرایم علیه امنیت داخلی محسوب گردیده، برهم زدن امنیت مردم و جاده و ایجاد رعب و وحشت، عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد. همچنین لازم نیست این امر هدف بزهکار باشد؛ بلکه اگر افراد مسلحی بعنوان سرقت و راهزنی امنیت مردم و جاده را بهم بزنند، مشمول حکم این ماده قرار می‌گیرند؛ بنابراین اگر سرقت همراه با ایجاد رعب و وحشت در مردم و سلب امنیت نباشد از شمول حکم این ماده خارج است و مشمول مواد دیگر می‌شود.<sup>۱۹</sup>

<sup>۱۹</sup> - مانند ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مستفاد از ماده مزبور فعل ارتكابی فعل مثبت مادی است و وسیله مجرمانه در آن موضوعیت داشته بکار بردن سلاح اعم از سرد و یا گرم الزامی است اما اقدام به تیراندازی شرط نمی باشد استفاده و یا حمل سلاح باید علنی باشد؛ بنابراین اگر سلاح مخفی باشد، از حکم این ماده خارج است.

عنوان قطاع الطريق بصورت جمع بکار برده شده، اما منظور از آن مشارکت بیش از یک نفر نبوده جرم ارتكابی توسط فرد نیز قابل تحقق است، تفاوت قطاع الطريق و سارق مسلح آن است که قاطع الطريق عمدتاً در جاده ها و طرق خارج از شهر و از طریق کمین اقدام به سرقت اموال مردم می کند، برخلاف سارق مسلح که با استفاده از سلاح در شهرها و روستاها اقدام به سرقت می نماید. از نکات مهم در این جرم آن است که برای تحقق آن لازم نیست در اثر اقدام مرتکب یا مرتکبین سرقتی صورت پذیرد؛ بلکه صرف اقدام به سرقت و بر هم زدن امنیت و ایجاد رعب و وحشت کافی خواهد بود.

### بند سوم: عنصر روانی جرم:

(جرم ماده ۱۸۵ از جمله جرایم عمدی است؛ بنابراین مجرم باید قصد ارتكاب رفتار مجرمانه یا قصد فعل یعنی حمل سلاح و ایجاد اقداماتی برای تهدید عابران و مسافران در جاده ها و شهر را داشته باشد و همچنین قصد مجرمانه او نیز محرز گردد یعنی خواستار سلب امنیت مردم و ایجاد رعب و وحشت در آنها باشد «بنابراین اگر عمل سارق اتفاقاً موجب برهم زدن امنیت و ترساندن مردم بشود بعید است که مضمول این ماده شود زیرا گرچه ظاهر ماده اطلاق دارد اما فرایند خارجی این اطلاق را منصرف به قصد ارعاب و اخلال در امنیت می کند).<sup>۲۰</sup>

### مبحث سوم: جرایم اقتصادی و کلاهبرداری

جرایم اقتصادی مضمول مرور زمان نمی شوند چرا که امروزه جرایم اقتصادی نزد مقامات داخلی و بین المللی، جایگاه برجسته ای را به خود اختصاص داده است. در این راستا، مؤسسات بین المللی و منطقه ای از طریق جرم انگاری های متعدد، توجه خاصی را به نظم اقتصادی مبذول نموده اند. زیرا اقتصاد نقش مهمی در زندگی بشر ایفا می نماید. به همین دلیل مبارزه با جرایم اقتصادی دارای جایگاه منحصر به فردی است. برای جرایم اقتصادی عناوینی همچون؛ مفاسد اقتصادی، جرایم یقه سفیدها و اصطلاح جرم سازمان یافته و... به کار می رود. یکی از کارکردهای مهم و اجتناب ناپذیر دولت و حاکمیت، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه و ایجاد شرایطی است که توده های مردم به نحوی منطقی بتوانند فارغ از دغدغه های طاقت فرسا به انتظارات مورد نظر خود دست یابند و در این عرصه با کمترین مشکلات مواجه شوند. بروز هرگونه مشکل بغرنجی که لطمات قابل توجه به توانمندی آحاد جامعه برای تأمین مطالبات خود وارد نماید تحمل پذیر نبوده موجب تراکم نارضایتی و سرخوردگی در جامعه شده و در صورت غفلت از بکارگیری سازوکارهای آن، بسرعت گسترش می یابد که گاهی آثار آن غیرقابل پیش بینی است. مفاسد و جرایم اقتصادی دارای ابعاد مظاهری در جوامع است که تأثیر مستقیم در کارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. این پدیده نقش بی بدیلی در امنیت اقتصادی جامعه داشته و در صورتی که آسیب های آن توسط مدیریت کلان اقتصادی بطور مستمر رصد و کنترل نشود به سرعت به مسئله ای ملی تبدیل شده و هزینه های اجتناب ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

<sup>۲۰</sup> - عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، ص ۱۲۱.

### گفتار اول: پولشویی

عملیات و فعالیت های پولشویی موجب نوعی فریب دادن ماموران اجرای قانون است. به این صورت که مرتکبان جرایم مقدماتی (جرمی که موجب انجام مال نامشروع شده است)، پس از کسب درآمد های نامشروع، با انجام اعمال خدعه آمیز، به دنبال سفید نمایی و مشروع جلوه دادن اموال هستند. این افراد جرم پولشویی را به توسط اشخاصی انجام می دهند که در ارتکاب جرم اولیه دخالتی نداشته اند، حتی ممکن است که این شخص از چگونگی و نوع جرم اولیه باخبر نباشد و یا با انجام دهنده یا همان مباشر جرم اولیه تبانی کرده باشد.

به موجب ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و تبصره آن، شعبی از دادگاه های عمومی در تهران و در مراکز استان ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و انواع جرایم اقتصادی مرتبط اختصاص می یابد. تخصصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرایم نمی باشد. در مواردی که مرتکب جرم پولشویی از مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری و مرتکب جرم منشأ، شخصی غیر از مقامات ذکر شده باشد، به جرم پولشویی برحسب مورد در دادگاه های کیفری تهران یا مرکز استان رسیدگی می شود.<sup>۲۱</sup>

### گفتار دوم: قاچاق ارز و کالا

در سال ۱۳۹۴ در بحث انواع جرایم اقتصادی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصویب شد. دادرسی تعزیرات، مسئولیت رسیدگی به برخی از جرایم قاچاق کالا و ارز را بر عهده دارد. به جرایمی نظیر احتکار، کم فروشی، گران فروشی، عدم صدور فاکتور و کالاهایی که دارای عدم قیمت فروش باشد؛ ورود کرده و به آن ها رسیدگی می کند، سازمان تعزیرات حکومتی می باشد. سازمان تعزیرات حکومتی، زیر نظر وزارت دادگستری و قوه مجریه قرار دارد و آرای شعبات بدوی و تجدید نظر آن در دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی است. به طور کلی به جرایم قاچاق کالا و ارز در سطح کلان سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی نمی کند و مسئولیت رسیدگی به آن ها در صلاحیت دادرسی دادگاه انقلاب است.<sup>۲۲</sup>

### گفتار سوم: جعل اسکناس داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی

این دسته از انواع جرایم اقتصادی در شرایط عادی جزء جرایم علیه آسایش عمومی دسته بندی می شود. اما چنانچه ارتکاب این جرایم به قصد اختلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی، این جرایم را در زمره جرایم پولی و بانکی و جرایم اقتصادی قرار می دهد (تعزیرات و مجازات های بازدارنده ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی) چرا که این گونه جرایم با توجه به تعریف سیاست های اقتصادی که در برگزیده سیاست های پولی و مالی است، اختلال در نظام پولی و مالی محسوب می شود.

<sup>۲۱</sup> - مظاهری تهرانی، مسعود، حقوق جزای عمومی ۱، ناشر: میزان - ۱۳۹۶ ص ۱۱۴

<sup>۲۲</sup> - جمشیدی، علیرضا، پیشگیری از جرائم اقتصادی، از اقدام های قضایی تا اقدام های اجرایی، در مجموعه سخنرانی های ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم به کوشش محمد فرجیها و سید حسین سرکشیکیان، چاپخانه معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۸ ص ۱۷

### گفتار چهارم: جرایم بورسی

جرایم بورسی از دیگر انواع جرایم اقتصادی است که شامل جرایمی است که از روند عادی و صحیح معاملات اوراق بهادار خارج بوده و غالباً با سوء نیت و با توسل به شیوه های غیر قانونی و به منظور قیمت سازی و اختلال در بازار بورس ارتکاب می یابد.

جرایم بورسی عبارتند از: معامله متکی بر اطلاعات نهانی، سوء استفاده از اطلاعات نهانی، افشای مستقیم یا غیر مستقیم اطلاعات محرمانه، دست کاری قیمت بازار، افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار بورس، کارگزار/ معامله گر یا بازگردان، خودداری از ارائه اطلاعات یا اسناد و مدارک مهم به سازمان بورس و غیره ...

### گفتار پنجم: جرایم مربوط به قیمت ها

مورد بعدی از انواع جرایم اقتصادی عبارتند از جرایم مربوط به قیمت ها که در برگیرنده اعمال مجرمانه ای نظیر تجاوز از قیمت مصوب، ایجاد قیمت های کاذب و اختلال در آزادی حراج و مزایده است و همچنین انتشار امور غیر واقع در مورد اوراق مشارکت عرضه شده توسط دولت به منظور سلب اعتماد مردم و تحریک به استرداد این اوراق به منظور خرید آن ها توسط فرد تحریک کننده نیز مصادیق جرم اقتصادی با عنوان تحصیل مجرمانه پول محسوب می شود.

### گفتار ششم: اخذ ربا

گرفتن ربا و سوء استفاده از اضطرار اشخاص در دادن قرض یا بهره و وساطت در ربای قرضی نیز به لحاظ فلسفه ربا که به نوعی مانع امر تولید می شود، اخذ ربا یکی دیگر از انواع جرایم اقتصادی می باشد که باعث اختلال در نظام اقتصادی و جرم علیه سیاست اقتصادی محسوب می شود. زیرا ربا گیرنده، مبالغی را از طریق مجرمانه بدست می آورد، بدون اینکه هیچ فعالیت تولیدی و اقتصادی داشته باشد.

### گفتار هفتم: جرایم مرتبط با پرداخت مالیات

به دلیل تکیه و اتکای اقتصاد بسیاری از کشور ها بر مالیات، این دسته از جرایم برخلاف دیگر انواع جرایم اقتصادی بر ضد دولت است و هدف جرم بطور مستقیم منافع و مزایای شهروندان واقع نمی شود. در اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم سال ۱۳۹۴ به صورت موسع در ماده (۲۷۴) جرایم مالیاتی در هفت بند به عنوان مصادیق جرم مالیاتی ذکر شد.<sup>۲۳</sup>

### گفتار هشتم: کلاهبرداری

برطبق ماده ۱۰۹ ق.م.ا. مصوب ۱/۲/۹۲ جرایم مطروحه آن ماده را از شمول مرور زمان استثناء کرده که در بند ب جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون (ق.م.ا) با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده مطرح شده است بنابراین در جرم کلاهبرداری، مبلغ کلاهبرداری جهت عدم شمول مرور زمان اهمیت ندارد و جرم کلاهبرداری به هر مبلغ طبق

<sup>۲۳</sup> - حسینی، جعفر، مهر، نسرین، نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره دوم، شماره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ص ۱۱۸

ماده ۱۰۹ ق.م.ا م مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شود. جرم کلاهبرداری یکی از مهمترین جرایم علیه حق مالکیت است که ارتکاب آن از قرن ۱۸ میلادی تا به امروز هر روز گسترش مییابد. یکی از مهمترین ویژگیهای جرم کلاهبرداری گفتن دروغ توسط کلاهبردار و فریب خوردن قربانی است. همچنین یکی دیگر از ویژگیهای جرم کلاهبرداری که مورد توجه حقوق دانان قرار نگرفته سوء استفاده از نقطه ی ضعف و یا آسیب پذیری بزه دیده و بردن مال یا گرفتن یک امتیاز یا هر امر دیگری به صورت ناروا و یا ناحق است. قانون گذار ایرانی از یک سو در فصل یازدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تحت عنوان ارتشاء و ربا و کلاهبرداری به موضوع جرم کلاهبرداری اشاره نموده ولی هیچ ماده ای را به صراحت به جرم کلاهبرداری اختصاص نداده است ولی ماده ی ۵۹۶ به صورت ضمنی به این موضوع پرداخته است. از سوی دیگر قانون گذار در ماده ی ۱ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری به صراحت به موضوع جرم کلاهبرداری پرداخته است. متأسفانه قانون گذار در این مواد به تعریف جرم کلاهبرداری به صورت خاص نپرداخته بلکه تنها به عناصر یا بخشهایی از جرم کلاهبرداری پرداخته است و این امر سبب برداشتهای متفاوت از سوی حقوقدانان از تعریف جرم کلاهبرداری شده است. برطبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱/۲/۹۲ جرایم مطروحه آن ماده راز شمول مرور زمان استثناء کرده که در بند ب جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون (ق.م.ا) با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده مطرح شده است بنابراین در جرم کلاهبرداری، مبلغ کلاهبرداری جهت عدم شمول مرور زمان اهمیت ندارد و جرم کلاهبرداری به هر مبلغ طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ م مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شود.<sup>۲۴</sup>

#### مبحث چهارم: جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

با توجه به آثار ویرانگر مواد مخدر، در حقوق کیفری ایران این جرایم مشمول مرور زمان نمی شوند. سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً بر محور پاسخ های دولتی اعم از کیفری و غیرکیفری می چرخد ولی در قسمت پاسخ های غیرکیفری ناظر بر پیشگیری و درمان، نقش ارگان ها و سازمان های مردم نهاد محسوس است. جرم زدایی نسبی از اعتیاد، مشارکت دادن ارگان های غیردولتی و مردم نهاد در درمان معتادان و ترک اعتیاد، جرم انگاری مواد روان گردان صنعتی و تقلیل مصادره کل اموال مجرم به اموال ناشی از جرم، همکاری با کشورهای دیگر در امر تعقیب و رصد جرایم مواد مخدر، وضع ضمانت اجرای ابطال گذرنامه برای مرتکبین و تشدید مجازات سرکردگان و عاملین اصلی جرایم مواد مخدر از موارد اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر تحت تاثیر سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۵ و کنوانسیون های بین المللی بالاخص کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد بوده است. در سیستم قضایی ایران به دلایل مختلف از جمله استفاده بی ضابطه و بی رویه از نهادهای عفو و تخفیف مجازات، عدم تمایل بسیاری از قضات به اجرای مجازات های شدید، کندی سرعت دادرسی های کیفری، تا حد زیادی اصول حتمیت و قطعیت مجازات ها متزلزل گردیده است

<sup>۲۴</sup> - زمانی، محمود. جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۳۵

**گفتار اول: مصادیق جرائم مرتبط با مواد مخدر**

باتوجه به تعریفی که از جرم قاچاق مواد مخدر در قوانین شده است، اگر منظور شما از این نوع جرم فقط وارد کردن یا صادر کردن یا حمل کردن کالای مربوط به مواد مخدر از نقطه‌ای به نقطه دیگر باشد، این بحث ناقص خواهد بود. اگر بخواهیم در زمینه جرایم مواد مخدر صحبت کنیم باید مفهوم قاچاق را کنار بگذاریم، هر چند قانونگذار در ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ و اصلاحی مصوب سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ از اصطلاح قاچاق استفاده کرده است اما با توجه به تعریفی که از جرم قاچاق در حقوق داخلی وجود دارد، اگر بخواهیم به طور کلی این نوع جرایم را تعریف کنیم، باید بگوییم که وارد کردن، صادر کردن، ساختن، تولید، ارسال، خرید، فروش، عرضه برای فروش، توزیع، حمل، نگهداری، استفاده از مواد مخدر، کشت آنها و اعتیاد به این نوع مواد همه داخل در مفهوم جرایم ناشی از مواد مخدر هستند. بر اساس قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ اعمالی که در این حوزه جرم محسوب می‌شود به این شرح است:

- ۱- کشت خشکاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۲- وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۳- نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۴- دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۵- استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنا کرده باشد.
- ۶- تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۷- قرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومیت مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که تحت تعقیب‌اند و یا دستگیر شده‌اند.
- ۸- امحا یا اخفا ادله جرم مجرمان.
- ۹- قرار دادن مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری.

**گفتار دوم: معیار قانونی مجازات جرائم مرتبط با مواد مخدر**

عنصر قانونی این نوع جرایم را مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶ به اضافه قسمت‌هایی از مقررات مواد مخدر مربوط به لایحه مواد مخدر مصوب سال ۱۳۵۹ که مغایر با قانون جدید مبارزه با مواد مخدر نیست، تشکیل می‌دهد. البته باید به تدوین‌کننده قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ قانونگذار گفت، زیرا مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب‌کننده این قانون بوده است.

از حیث عنصر مادی به جرایمی جرم ناشی از مواد مخدر گفته می‌شود که عمل ارتكابی در این نوع جرایم به صورت فعل مثبت مادی ارتكاب می‌یابد به عبارت دیگر ترک فعل در مورد این نوع جرایم مصداق پیدا نمی‌کند.<sup>25</sup>

۱. رحمدل، منصور، ۱۳۹۱، حقوق کیفری مواد مخدر، نشر دادگستر، ص ۱۷۴

**گفتار سوم: شرایط روانی مرتکبین جرائم مواد مخدر**

در بررسی عنصر معنوی این دسته از جرایم باید بگوییم که تمامی اجزای تشکیل‌دهنده عنصر روانی باید محقق شود. اول اینکه شخص مجرم باید علم به حکم در این نوع جرایم داشته باشد یعنی وی بداند که ارتکاب جرایم مربوط به موادمخدر ممنوع است. این نوع علم به موجب یک قاعده کلی مفروض است یعنی فرض می‌شود که همه در جامعه می‌دانند که اعمال مرتبط با مواد مخدر جرم است. بخش بعدی عنصر معنوی هم علم به موضوع است، یعنی مجرم بداند که این ماده که شخص مجرم می‌خرد، می‌فروشد، حمل می‌کند، نگهداری می‌کند، صادر و یا وارد می‌کند، موادمخدر است.

بحث بعدی درباره عنصر روانی جرم، بحث سوءنیت است. «سوءنیت عام» یعنی اینکه شخص ارتکاب چنین جرمی را اراده کند. در اینجا جا دارد که تاکید کنیم انگیزه در جرایم نقش و تاثیری ندارد اما به صورت استثنایی در مورد کشت شاهدانه و حمل و اخفای و نگهداری مواد مخدر، انگیزه به موجب قانون موثر شناخته شده است.

در این مورد در صورتی عمل شخص جرم تلقی خواهد شد که انگیزه شخص از ارتکاب این نوع اعمال، توزیع موادمخدر باشد یعنی اصل بر این است که کشت شاهدانه و حمل، اخفا، نگهداری و خرید و فروش آن جرم تلقی نمی‌شود، مگر اینکه احراز شود که انگیزه شخص از ارتکاب این نوع اعمال، توزیع بعدی شاهدانه است. اما در عمل قضیه متفاوت و بر عکس این رویکرد است؛ رویه قضایی عنصر روانی را در این نوع جرایم مفروض می‌داند.

البته شاید مفروض تلقی کردن عنصر روانی جرم مواد مخدر خیلی هم دور از واقعیت نباشد زیرا زمانی که مواد مخدر نزد شخص مجرم یافت می‌شود، اوضاع و احوال قضیه حاکی از آن است که شخص مجرم می‌دانسته که کالاهای نزد او، موادمخدر است. همان‌طور که می‌دانیم اصل برائت نیز مبتنی بر اوضاع و احوال خاص است.

اگر اوضاع و احوال برخلاف قواعد اصل برائت حاکم باشد، اصل برائت جای خود را به اصل مجرمیت می‌دهد. رویه قضایی و قضات دادگاه‌ها در هنگام روبه‌رو شدن با این پرونده‌ها چاره‌ای جز این ندارند و شخص متهمی که مدعی است اطلاعی از وقوع جرم نداشته است و به‌عنوان مثال نمی‌دانسته که این کالاهای مکشوفه، موادمخدر بوده است، باید این ادعای خود را در دادگاه به اثبات برساند. به طور کلی می‌توان گفت اوضاع و احوال می‌تواند در کشف قضیه بسیار موثر باشد.

**نتیجه گیری**

مرور زمان کیفری به عنوان ابزاری در راستای ساقط نمودن حق شکایت کیفری تعقیب متهم و اجرای مجازات در نظام کیفری اسان سابقه تقنینی دیرینه داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی لزوم انطباق قوانین و مقررات موضوعه با شریعت و موازین اسلامی و دگرگونی بنیادی در قوانینی جزایی ایران مرور زمان کیفری از عموماً حقوق جزای کشور حذف گردید و به جز در مواردی خاص سیستم کیفری ایران از این نهاد بی بهره می‌ماند. در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی شاهد آن قرار گرفتیم که قانونگذار بنابر ضرورت و مصلحت اجتماعی و بر مبنای عقبه تقنینی مجدداً به احیاء نهاد مذکور (مرور زمان) در قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب همت گمارده است ( مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ بخش دوم از یازدهم از مبحث چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

برخی از جرائم هستند که به هیچ عنوان مشمول مرور زمان های ۳ گانه از تاریخ وقوع جرم، تعقیب و اجرای مجازت نمیشوند. قانون گذار بنا به مصالحی مانند، اهمیت جرم، و یا وقوع خسارات گسترده به جامعه و حاکمیت برخی جرایم را مشمول قاعده مرور زمان کیفری ندانسته است. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری، جرایم موضوع قانون

مبارزه با مواد مخدر، تعزیرات منصوص شرعی جرایم از قاعده مرور زمان خارج شده اند. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی این جرائم را مشخص نموده است:

۱. جرائمی که علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد
۲. جرائم اقتصادی بالاتر از ۱۰۰ میلیون تومان که عناوین آن شامل کلاهبرداری، اعمال نفوذ بر خلاف حق، امور مالیاتی، پولشویی و گمرکی و جرائم کارمندان علیه دولت باشد.
۳. جرائم مربوط به مواد مخدر با توجه به این امر که قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خاص بوده و قواعد مربوط به خود را داشته است.

۴. جرائم حدود الهی و قصاص و دیات شامل مرور زمان نخواهد بود.

در ماده ۳۶ این قانون قانونگذار با بیان ۱۳ عنوان مجرمانه قید مالی یک میلیارد ریال را بیان نموده است. در جمع مواد ۱۰۹ و ۳۶ این قانون، هرگاه در جرایم تعزیری مبلغ مورد جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد جرم تعزیری مشمول مرور زمان قرار نخواهد گرفت و هرگاه یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد مرور زمان بر آن سرایت خواهد نمود. نتیجه ای که ذهن حقوقدان را با چالش مواجه می کند و اصول حقوقی اسلامی را خدشه دار می نماید.

اما نهایتاً در توجیه عملکرد قانونگذار در خصوص شمول مرور زمان بر جرایم تعزیری بنابر نظر اساتید محترم حقوق کیفری میتوان چنین استدلال نمود که مجازات متعلق به جامعه است و منفعت آن برای جامعه تعیین کننده میزان کارایی مجازات می باشد؛ پس هرگاه جامعه به علت گذشتن زمانی طولانی، جرم ارتكابی را فراموش می کند دادگستری دیگر حق احیای مجدد آن را ندارد. به عبارت دیگر در پس عملکرد قانونگذار یک سیاست اجتماعی برگرفته از مکتب فایده اجتماعی نهفته است. این مبنا اگرچه با اصول حقوقی کامن لو سازگار است اما در حقوق ایران استناد به آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا مبنای حقوق کیفری ایران غالباً مبنای فقهی و اسلامی است که در آن مرور زمان، تعلیق و تعویق را در جرایم منصوص شرعی ممنوع می داند. ایرادی که شورای نگهبان از آن گذشته است!! ای مسئله در آینده ایجاد وحدت رویه را می طلبد.

#### پیشنهادهای:

- ۱- بدو مقنن باید این امر را مشخص نماید که جایگاه نهاد مرور زمان در قوانین شکلی است یا ماهوی؟ در نتیجه پسندیده نیست که در یک دوره تقنینی آن را از قوانین شکلی و در دوره دیگر، از قوانین ماهوی قلمداد کند. از این رو پیشنهاد می گردد چون نهاد مرور زمان از قوانین شکلی محسوب می گردد همواره در قوانین شکلی منعکس گردد.
- ۲- در حال حاضر در مقررات کیفری کشور ما قوانین صریح و جامع ای در خصوص نهاد مرور زمان وجود ندارد و این نهاد مهم و اساسی همواره در هاله ای از ابهام بوده و با محدودیت های فراوان دست به گریبان است که جا دارد مقنن نسبت به تصریح دقیق آن در قوانین کیفری اقدام نماید تا محاکم در برخورد با آن دچار اختلاف نظر و تشتت آراء نگردند.
- ۳- مرور زمان، نهادی نیست که تنها مختص به سیستم یا سیستم های حقوقی خاصی باشد بلکه اغلب سیستم های حقوقی مترقی، این نهاد را مورد توجه قرار داده اند که از این حیث بررسی و تدقیق در سایر سیستم های حقوقی از جهت چگونگی کارکرد و تاثیر این نهاد و متعاقباً استفاده از تجارب آنها پیشنهاد می گردد.

۴- پیشرفت علم و فناوری و به تبع آن تغییرات اجتماعی و مدرن شدن عصر حاضر، مستلزم بازنگری و به روز نمودن برخی نهادها و قواعد سنتی است. بدین وصف نهاد مرور زمان با دیدگاه سنتی با مقتضیات امروزی قابلیت تجمیع نداشته و نیازمند بازنگری و نوگرایی است از این رو بازنگری و به روز نمودن این نهاد حقوقی مهم پیشنهاد می گردد.

۵- در قوانین مصوب پس از انقلاب علی رغم این که نهاد مرور زمان کم رنگ گشته، اما نسبت به مرور زمان مواعد هیچ ایرادی صورت نگرفته و همچنان به قوت خود باقی است، در صورتی که هیچ سابقه شرعی و فقهی نیز ندارد از این رو پیشنهاد می گردد جهت نظم و انضباط امور کیفری و جلوگیری از هرج و مرج و انباشت بلاجهت پرونده های کیفری در محاکم، در همه جرایم، مرور زمان جاری گردد بدین توضیح که با تفکیک جرایم مهم از غیرمهم، مدت آن حسب مورد متناسب باشد.

## منابع

۱. آنسل، مارک، ۱۳۶۹، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه آقایان دکتر محمد آشوری و دکتر علی نجفی ابرندآبادی، نشر راهنما، تهران.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۶۸، پلی کپی درس آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، مقاله عدالت کیفری از دیدگاه حمورای، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، شماره ۶.
۴. احمدی موحد، اصغر؛ ۱۳۸۳، اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۵. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، جلد اول، چاپ اول.
۶. اردبیلی، محمدعلی؛ ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ج ۲.
۷. انصاری، ولی‌اله، ۱۳۸۰، کشف علمی جرایم، انتشارات سمت، چاپ اول.
۸. الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، ۱۳۹۲، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
۹. افراسیابی، محمد اسماعیل؛ ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ج ۲.
۱۰. باهری، محمد، ۱۳۹۳، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۱۱. باهری، محمد، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ سوم.
۱۲. بکاربا، سزار، ۱۳۶۸، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی.
۱۳. بولک، برنار، ۱۳۷۲، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۴. پیرنیا، حسن، ۱۳۴۴، تاریخ ایران باستان، کتاب نهم، دوره پارتی، اشکانیان، تهران، سازمان کتابهای جیبی.
۱۵. خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۸، تحریرالوسیله، ۱۳۶۸، ج ۲، کتاب دیات
۱۶. حسنی، علی اکبر، ۱۳۶۳، نظری بر قوانین جزایی اسلام، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. حسینی، سیدمحمد، مختصر حقوق جزای عمومی، ناشر: کتاب آوا، ۱۳۹۸
۱۸. حق پناهان، عباس، ۱۳۹۲، بررسی و تحلیل قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل.

۱۹. حکمت، سعید، ۱۳۷۱، روانشناسی کیفری، چاپ دوم، انتشارات گوتنبرگ.
۲۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۹، ترمینولوژی حقوق، انتشارات مجد.
۲۱. دانش، تاج زمان، ۱۳۶۸، حقوق زندانیان و علم اداره زندانها، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. دانش، تاج زمان، ۱۳۶۸، مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه کیهان.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۶، لغت نامه دهخدا، ج ۲۹، تهران. چاپخانه دانشگاه تهران.
۲۴. زراعت، عباس؛ ۱۳۸۶، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات خط سوم.
۲۵. زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس.
۲۶. سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل.
۲۷. سلیمی، صادق، ۱۳۹۲، چکیده حقوق جزای عمومی، انتشارات جاودانه.
۲۸. سلیمی صادق، بخشی زاده اهری امین، ۱۳۹۳، تطبیق ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۲۹. سیاسی؛ علی اکبر، ۱۳۴۳، روانشناسی جنایی، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم.
۳۰. هوشنگ شامبیاتی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، انتشارات مجد.
۳۱. شامبیاتی، هوشنگ؛ ۱۳۷۸، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ نهم، ج ۲.
۳۲. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات مجد.
۳۳. شایگان؛ سیدعلی، ۱۳۲۴، حقوق مدنی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ سوم.
۳۴. شمس، علی، ۱۳۸۲، مجله حقوق زندانیان، انتشارات راه تربیت، چاپ دوم.
۳۵. صالح، علی پاشا، ۱۳۴۷؛ سرگذشت قانون، انتشارات دانشکده حقوق و علوم ساسی، دانشگاه تهران.
۳۶. صلاحی، جاوید، ۱۳۷۴، کیفرشناس، انتشارات دانشگاه ملی سابق، چاپ دوم.
۳۷. علی آبادی، محمد حسین، ۱۳۴۶، جزوه درسی حقوق ایران قبل از اسلام، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۳۸. کاخسار، ناصر، ۱۳۴۶، حقوق جزای یهود، مهنامه قضایی، شماره ۲۲.
۳۹. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۱، مجموعه مقالات حقوقی تهران، انتشارات ارشاد اسلامی، جلد دوم.
۴۰. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۴، حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.
۴۱. متین دفتری، احمد، ۱۳۸۱، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مجد، جلد اول، چاپ چهارم.
۴۲. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۳۷۵، نشریه: دیدگاه های حقوق قضایی « - شماره ۳
۴۳. منصورآبادی، عباس، حقوق جزای عمومی، ناشر: میزان ۱۳۹۹
۴۴. مظاهری تهرانی، مسعود، حقوق جزای عمومی ۱، ناشر: میزان - ۱۳۹۶
۴۵. مدنی، جلالی الدین؛ ۱۳۷۸، آئین دادرسی کیفری ۲۰۱، تهران، پایدار.
۴۶. موسوی، مجتبی، ۱۳۶۷، مباحثی پیرامون بعضی مسائل قضاء، چاپ اقبال توانا.
۴۷. میری، سیدرضا، ۱۳۹۰، آیین دادرسی کیفری، تعقیب کیفری، انتشارات مجد، چاپ اول.
۴۸. معتمد، محمدعلی، ۱۳۶۲، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۹. معافی، جعفر، ۱۳۸۴، توبه در حقوق کیفری ایران، انتشارات مشاهیر، چاپ اول.

۵۰. مصدق، محمد، ۱۳۹۲، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل.
۵۱. محمدنژاد، پرویز، ۱۳۸۳، مجله اصلاح و تربیت شماره ۲۸.
۵۲. منتظری سانیجی، علی، ۱۳۸۳، جرایم قابل گذشت و تحول آن در حقوق موضوعه ایران.